

# دو جنبش، دو افق

تشدید مبارزه طبقاتی تنها آلترناتیو

صدای انترناسیونالیستی

E-mail: [contact@internationalistvoice.org](mailto:contact@internationalistvoice.org)

Homepage: [www.internationalistvoice.org](http://www.internationalistvoice.org)

تلگرام: <https://t.me/intvoice>

در ششم دی ماه ۱۳۸۸ نیروهای سرکوبگر بورژوازی، سرکوب خود را شدت بخشیده و تظاهرات را بخون کشیدند. دهها تن از تظاهر کنندگان کشته یا زخمی شدند و صدها تن نیز دستگیر شدند. دولت پلیسی نشان داد که فراموش نکرده است، چطور قصابانش در سال ۱۳۶۰ قصابی میکردند و هر موقع هم نیاز باشد دوباره حمام خون براه خواهد انداخت.

و سه روز بعد بورژوازی تئوکرات کارنوال "بیعت با رهبری" را در سراسر کشور براه انداخت. تظاهراتی را در تمامی شهرها سازمان دادند تا زور بازویشان را، قدرتشان را نشان دهند و به مردم دنیا حمایت مردم را از بورژوازی اسلامی و ولی فقیه آن اثبات کنند.

سرلشکر محمد علی جعفری فرمانده کل سپاه روز سه شنبه بیست و دوم دی ماه ۱۳۸۸ اظهار داشت:

*" برخی‌ها به دنبال تبدیل رهبری به یک مقام تشریفاتی هستند. آنچه پس از انتخابات به بهانه تقلب در کشور آغاز و دنبال شد، تلاش برای تضعیف اختیارات رهبری و تبدیل آن به یک مقام تشریفاتی بود که همان کم‌رنگ کردن اسلامیت جمهوری اسلامی است."<sup>i</sup>*

از سوی دیگر تمامی گرایش‌های سرمایه از راست تا چپ، از سلطنت طلبان تا چپ‌های کلام رادیکال مثل "کمونیست‌های کارگری" پیشروی جنبش مردم را اعلام کردند. هر یک از آنها ادعا می‌کنند که اعتراضات مردمی را رهبری می‌کنند و خودشان را نیز بعنوان تنها آلترناتیو برای جانشینی جمهوری اسلامی معرفی می‌کنند.

سازمان مجاهدین خلق اعلام کرد، آنها اعتراضات را رهبری می‌کنند و تنها جانشین برای جمهوری اسلامی هستند. آقای مسعود رجوی رهبر مجاهدین در ۸ دی ماه ۱۳۸۸ نوشت:

*" رژیم آخوندی هم‌اوردی جز مجاهدین خلق ایران و جایگزینی جز شورای ملی مقاومت ایران نمی‌یابد."<sup>ii</sup>*

جنبش مردمی برای طبقه کارگر چه مفهومی دارد؟ چگونه جنبش مردمی و آزادیخواهی به مبارزه طبقاتی تاثیر می‌گذارد؟ نقش و وظایف انترناسیونالیستها چیست؟ حقیقت این است که در جامعه دو جنبش جاری است، جنبش دمکراسی خواهی و جنبش طبقه کارگر.

### **جنبش دمکراسی خواهی**

جنبش دمکراسی خواهی یک جنبش بورژوائی، ضد پرولتری و یک جنبش ضدانقلابی است. در یک دنیای ایده آلی این جنبش سعی خواهد کرد سرمایه ملی را با روتین های سرمایه جهانی وفق دهد، تا بقا نظام سرمایه داری را در ایران تقویت کرده و به طبع آن به سرمایه گذاران داخلی و خارجی اطمینان انباشت سرمایه را بدهد. سرمایه داری چیزی بیش از فقر عمومی، بیکاری دسته

جمعی، اضطراب شغلی و مشقت کاری برای پرولتاریا عرضه نمی کند و به کلام دیگر یک جهنم واقعی برای طبقه کارگر.

باید تاکید شود که اعتراضات مردمی متأثر از روح و تفکر دمکراتیک و ناسیونالیستی است، چیزی که، ناسیونالیسم یک سم کشنده برای مبارزه طبقاتی است.

وسائل ارتباط جمعی دمکراتیک لقب "سر اپوزسیون" به جنایتکاری چون موسوی داده اند که بسیار مناسب سیاست جهان غرب برای تحت فشار قرار دادن رژیم ایران است اما این وسایل ارتباط جمعی دمکراتیک "باشرف" در مورد دهها اعتراضات و اعتصابات طبقه کارگر که در بخش بعدی به آنها اشاره خواهیم کرد، خفه شده اند. بسیار بدیهی است، یک عامل اساسی برای تحت الشعاع قرار دادن به "جنبش سبز" موسوی.

قبل از اینکه به "جنبش سبز" نگاهی بیندازیم، می خواهیم تعریف جنبش دمکراسی خواهی را از زبان فعالین خود این جنبش بشنویم. یکی از گرایشات ناسیونال-چپ، "کارگران" "کمونیست" ایران این جنبش را بسیار خوب تعریف کرده است و از آن به عنوان "جنبش رنگین کمان" نام میبرد. ما به دو تا از این رنگها نگاه می کنیم:

"درد بر ملت غیور ایران و مبارزان راه آزادی

...

رنگ سبز: انتخابات آزاد با نظارت مراجع بین المللی

رنگ قرمز: آزادی تمامی زندانیان سیاسی و لغو شکنجه و اعدام" iii

بعد از سرکوب ششم دی ماه ۱۳۸۸ موسوی برای جلوگیری از رادیکال شدن اعتراضات مسیر خودش را عوض کرد تا بورژوازی اسلامی را نجات دهد. این سیاست شناخته شده در اروپای غربی است، زمانی که لازم باشد رهبران اتحادیه های کارگری و احزاب اپوزسیون با زبان رادیکال برای منحرف کردن اعتراضات بیرون میروند و سپس در موقع مناسب مسیرشان را عوض می کنند. او از طریق بیانیه ۱۱۷ خود پیشنهاد "آشتی ملی" داد. او نوشت: "انسان به وضعیت بحرانی می تواند راه حل را نه در سرکوب که بر سر آشتی ملی قرار دهد" iv

بیانیه او از پنج بند تشکیل یافته که نکات مطرح شده در بیانیه حداقل بر روی کاغذ در چهار چوب جمهوری اسلامی امکان پذیر است. او تحقق یافتن بیانیه اش را به شکل زیر اطمینان میدهد:

"نظام ما آن قدرت را دارد که در صورت تدبیر و در صورت داشتن یک نگاه احترام آمیز و توأم با ملاحظت به همه ملت و اقصای آن این مهم را بانجام برساند." v آخرین بند بیانیه موسوی تاکید دارد به "پابندی به اصل ۲۷ قانون اساسی" vi

این مزدور جنایتکار در مورد "کرامت ذاتی بشریت" و ممانعت از شکنجه صحبت می کند:

"نگاهی که بر کرامت ذاتی انسان باور دارد و بر نیمی تابد که ضارب او در زندان با غذایی جز شبیه غذای او نگهداری شود و یا مورد شکنجه و امثال آن قرار گیرد." viii

این جنایتکار تصور میکند ما جنایات او را فراموش کرده ایم. تنها تصور شکنجه هائی که در دوران نخست وزیری این جنایتکار بوقوع پیوسته، موبرتن هر انسانی سیخ میکند. صد هزار اعدامی، گور دسته جمعی از زندانیان سیاسی (خاوران)، تجاوز به دختران پیش از اعدام تنها نمونه هائی از آنها هستند.

جناح چپ جنبش دمکراسی خواهی خودش را چپ یا سرخ می نامد و دستگاه سیاسی سرمایه را نمایندگی می کند. اگرما از گرایشاتی که مستقیماً به سخنگویان موسوی تبدیل شدند صرف نظر کنیم، جناح کلام رادیکال چپ با به جلو صحنه کشاندن جنبش دمکراسی خواهی سعی در تحت الشعاع قرار دادن مبارزه طبقاتی دارد. اینها همانقدر سرخ هستند مثل رهبران اتحادیه های کارگری یا رهبران سوسیال دمکرات که در خط مقدم تظاهرات اول ماه مه سرود انترناسیونال می خوانند و در عین حال ضد کارگری ترین قوانین را تصویب می کنند.

چپها به حق اعتصاب، حق تشکیل اتحادیه، توقف خصوصی سازی و غیره تاکید میکنند اما وظیفه اصلی اتحادیه ها کنترل طبقه کارگر و انحراف دادن مبارزه طبقاتی آنان است. همین است، شبیح مبارزه طبقاتی که بورژوازی بیش از هر چیزی وحشت دارد.

تاریخ نشان داده است زمانی که بورژوازی احساس خطر کند قادر به لکه دار کردن پرنسپ های دمکراتیک خود است. دموکرات ها در مهد تمدن بورژوازی، پاریس، پس از سقوط کمون پاریس، تنها در طول یک هفته ۳۰۰۰۰ کارگر را قتل عام کردند و وجدان دمکراتشان هم ناراحت نشد.

### جنبش طبقاتی کارگران

طبقه کارگر ترکیبی از اشخاص بی تاریخ نیست، با مراجعه به تجربیات تاریخی و بین المللی خودش، پرولتاریا باید از درهم آمیختن اعتراضات مردمی با مبارزه مستقل طبقه کارگر اجتناب ورزد. به جای اینکه طبقه کارگر تابعی از مبارزات مردمی باشد و بدرون جنبش دمکراسی خواهی کشیده شود، پرولتاریا باید خودش را بعنوان یک نیروی اجتماعی مستقل استوار کند که برای منافع خاص خودش می جنگد.

در اعتراضات و اقدامات مردمی که طبقه کارگر خودش را در جنبشهای دمکراتیک و آزادیخواهانه حل می کند، بورژوازی را تضعیف نمی کند بلکه طبقه کارگر خود را تضعیف می کند.

پرولتاریا باید ابتکار عمل را بدست بگیرد و مهر خودش را بر حوادث تاریخی بزند. پرولتاریا باید جوانان، دانشجویان و دیگر لایه های جامعه را با خود همراه سازد و نه بر عکس آن، طبقه کارگر بدرون جنبش دمکراسی خواهی کشیده شود. این مسئله طبقه کارگر را تضعیف و ناتوان می کند.

سرمایه داری بوی خون، کثافت و لجن می‌دهد. سرمایه داری در یکی از عمیق‌ترین بحرانهای تاریخی خود فرو رفته است و بهای آنرا طبقه کارگر می‌پردازد. اگر زمانی اقتصاددانان و ایدئولوگهای بازار آزاد از ترم "رکود اقتصادی" برای بحرانهای سرمایه داری استفاده میکردند، امروز خود به ورشکستگی سرمایه داری اعتراف میکنند.

سرمایه داری تنها فقر تعمیم یافته، بطور کلی به کل بشریت و به ویژه برای طبقه کارگر عرضه می‌کند. با حذف یارانه‌ها (هدفمند کردن یارانه‌ها) که بزودی عملی خواهد شد، چیزی که یک حمله مستقیم به استاندارد زندگی طبقه کارگر است، شرایط برای طبقه کارگر بیش از پیش طاقت فرسا خواهد شد.

مبارزه طبقاتی هر چند آهسته در حال رشد است و پرولتاریا بر تحولات تاریخی اثر می‌گذارد. طبقه کارگر مجبور است با چنگ و دندان از سطح معیشت خودش دفاع کند و علیرغم سرکوب لجام گسیخته، دهها اعتراض و اعتصاب کارگری را در سراسر کشور سازمان داده است که در زیر به برخی از آنها اشاره میشود:

- کارخانه کیان تایر
- مجتمع گوشتی زیاران
- شرکت هادی کار
- مجتمع صنعتی تبریز
- شرکت بیان دیزل (دورمن دیزل)
- ذوب آهن اصفهان
- کارخانه شکر هفت تپه
- شرکت صنعتی دریایی ایران (ایران صدرا)
- کارگران ساختمان پالایشگاه آبادان
- ....

این اخبار در رسانه های جمعی دمکراتیک قابل رویت نیست یا تحت الشعاع نوآوری های آنها برای ایجاد "سر اپوزسیون" قرار می‌گیرد.

این اعتراضات و اعتصابات نشان میدهند که طبقه کارگر بعنوان یک نیروی اجتماعی مغلوب نشده است. با وجود همه محدودیت هائی که این نبردها داشته اند، پرولتاریا هیچ چاره ای جز جنگیدن بخاطر منافع طبقاتی خود و پیشبرد این نبردها ندارد.

## تشدید مبارزه طبقاتی تنها آلترناتیو

ما هرگز نباید هویت طبقاتی مان را، اعتماد به نفس مان را به خودمان، تواناییهای انقلابی مان را در شکل دادن خودمان بعنوان یک نیروی اجتماعی مستقل در تحولات جامعه از طریق مبارزه طبقاتی از دست بدهیم.

### هم زنجیران!

آینده جنبش ما تنها به مبارزه ما بستگی دارد. ما فقط می توانیم حملات بورژوازی را از زمین طبقاتی خودمان دفع کنیم. ما باید سعی کنیم انزوای اعتراضات و اعتصابات کارگری را در هم بشکنیم و ارتباط و همکاریمان را با دیگر صنایع و بخش ها در سراسر کشور گسترش دهیم. ما باید مبارزه مان را، مستقل از تمامی باندهای بورژوائی، مستقل از همه جنبش های بورژوائی، علیه سرمایه داری گسترش دهیم. شعار ما باید بر علیه بردگی مزدی، استثمار، بیکاری، اخراج سازیها، تورم باشد و به عبارت دیگر باید بنیانهای سرمایه داری را نشانه گیری کند. ما باید مبارزه مان را از خیابان ها به محلهای کار در تمام بخش ها گسترش دهیم. ما فقط بخاطر منافع طبقاتی خودمان باید بجنگیم.

هدف نهائی مبارزه مان در تغییر طبقه حاکم چیزی که در سال ۱۳۵۷ اتفاق افتاد بلکه در مبارزه طبقاتی و هدف ما باید برای نابودی کل سیستم سرمایه داری نشانه گیری شود. این تنها از یک افق انترناسیونالیستی امکان پذیر است.

زمین شورشهای مردمی توانائی های پرولتاریا را فرسوده می کند، اما زمین مبارزه طبقاتی منجر به انهدام انقلابی دولتهای سرمایه داری در همه کشورها خواهد شد. بیش از هر زمان دیگری طبقه کارگر از طریق مبارزه طبقاتی اش آینده بشریت را در دستهای خود دارد.

فیروز اکبری

۵ بهمن ۱۳۸۸

---

خبرگزاری فارس<sup>i</sup>

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8810221538>

<sup>ii</sup> <http://www.iran.mojahedin.org/pages/detailsNews.aspx?newsid=51442>

<sup>iii</sup> <http://www.nedaanews.com/> (29 December 2009)

<sup>iv</sup> <http://www.kaleme.org/1388/10/11/klm-7047>

<sup>v</sup> منبع بالا

<sup>vi</sup> منبع بالا

<sup>vii</sup> منبع بالا